

حکمت

امام کاظم(ع):

در پنهان‌های تان از خداوند شرم کنید، همچنان که در آشکار خود از مردم خجالت می‌کشید.

تحف العقول

نکته‌روز

تراژدی گرسنگی

بازیگر آمریکایی از وضعیت کودکان یمی‌ن روایت هولناکی دارد

توماس کریستین سادوسکی، بازیگر آمریکایی تئاتر، سینما و تلویزیون است. او بیش‌تر برای ایفای نقش «دان کيفر» در مجموعه تلویزیونی «اتاق خبر» اچ‌بی‌و شناخته شده است. روایت او پس از بازدید از یم‌ن را می‌توان دهنده خواند. «ما مرده به دنیا می‌آییم» به زبان انگلیسی روی دیواری مقابل مقر محاصره‌شده با سیم خاردار سازمان ملل متحد در شمال یم‌ن به صورت گرافیتی نوشته شده است. این جمله بیانگر رنج نسلی است که در جنگ زندگی می‌کند، نسلی رهاشده، من‌اخیرا از طریق مشارکت با سازمان بشردوستانه War Child از مناطق شمالی یم‌ن بازدید کردم. دسترسی به این منطقه برای آمریکایی‌ها (به خصوص روزنامه‌نگاران) عملاً ناممکن است و ماه‌ها مذاکرات پرتنش در جریان بود تا اجازه یافتن به آن ناحیه بروم. جای تعجبی نیست، زیرا می‌توان نقش آمریکا را در بحران جاری در یم‌ن مشاهده کرد. حمایت نظامی آمریکا از عربستان سعودی یک بازیگر جدایی‌ناپذیر در مناقشه از زمان آغاز آن بحران در هفت سال گذشته عاملی ثابت بوده است. شاخص جهانی گرسنگی در حال حاضر یم‌ن را از نظر میزان گرسنگی در بدترین رتبه در جهان قرار داده است. به گفته پزشکان، مناطقی که من با آنان صحبت کردم میلیون‌ها کودک یمی‌ن در برخی مناطق ۹۵درصد از سوء‌تغذیه حادرنج می‌برند.

رشد جسمی متوقف‌شده کودکان، من را متقاعد کرد تا به کلاس یک مهدکودک بروم و با بچه‌های ۸، ۹ ساله ملاقات کنم. آن بچه‌ها به قول یکی از همراهان مان «خوش‌شانس‌ترین»‌ها بودند. درد گرسنگی همه جا دیده می‌شود. اثرات کابوس‌آور آن شامل ناتوانی در تنظیم دمای بدن، اشک ریختن هنگام گریه و سپس لاغری و بی‌حالی وحشتناک است. یمی‌ن‌ها این درد را هر روز تحمل می‌کنند. زندگی کودکانی که بابتی توجهی جهان و به دلیل تحریم‌ها ناپود شده است. سال ۲۰۲۲ میلادی، آمریکا یک میلیارد دلار به کمک‌های بشردوستانه در یم‌ن اختصاص داد. حفظ آن سطح کمک با توجه به بدترشدن وضعیت باید در دستور کار قرار گیرد. با این وجود، هفته گذشته در جلسه‌ای با اعضای کنگره و سنا داشتم یکی از سناتورها در طول جلسه مان گفت: «این مبلغ پول زیادی است». این در حالی است که آمریکا کمکی نزدیک به ۱۱۰ میلیارد دلار را در سال گذشته به اوکراین متعهد شده است. اختلاف نظر در این باره امری منطقی است. با این وجود، باید توجه داشت که ما در یم‌ن مداخله نظامی داشته‌ایم و در ایجاد رنج عظیم برای زنان و کودکان یمی‌ن شریک هستیم. کمک تنها وسیله‌ای است که تضمین می‌کند این فاجعه به شکست همه جانبه بشریت تبدیل نشود. مبالغه می‌کنم؟ خیر. هیچ اصطلاح مناسبی برای به کاربردن درباره میلیون‌ها کودکی وجود ندارد مدت‌هاست بر اثر سوء تغذیه یم‌ن می‌برند. بی‌رحمانه ایستادن و تماشای این وضعیت اقدامی کاملاً غیرانسانی است. با این وجود، چرخ‌ها به‌طور پیوسته برای رسیدن به این نتیجه در حرکت هستند. زیرا کمک‌های جهانی به یم‌ن در حال کاهش خیره‌کننده‌ای هستند. صحنه یم‌ن به عنوان یک منازعه سیاسی، پیچیده و خائنانه به نظر می‌رسد. تراژدی‌ای انسانی در آنجا در جریان است. در این میان، یک موضوع مشخص است: حذف بودجه برای کمک به یم‌ن به مثابه حکم اعدامی برای کودکان یمی‌ن است.



قصه سیاهان و گدایان!

وقتی سمبل هنرهای نمایشی در ایران کاسه گدایی به دست می‌گیرد

اسفند به نیمه رسیده و نوروز نزدیک‌تر از همیشه است. پس

از چند نوروز کروناپی حالا از جنب‌وجوش خیابان‌ها و

بلیشوی ترافیک هم می‌توان متوجه نزدیکی بهار شد. به اینها اضافه کنید سیل

دستفروشان در خیابان و گسترده‌شدن بساط فروش ماهی و جوجه‌های مریش

رنگ شده و البته جولان موزون حاجی‌فیروزها پشت چراغ‌قرمز هر چهارراهی. اگر

پیشترها رقص پرستوها را نشانی از نزدیکی بهار می‌دانستیم حالا آسمان تهران که

خالی از پرنده است و نمادهای آغاز بهار در حاشیه پیاده‌روها و میانه خیابان‌ها به

چشم می‌آیند. حاجی‌فیروز یکی از نمادهای هویتی هنرهای نمایشی ایران است،

پیشینه‌ای طولانی دارد و یادآور خوشی و میمونی و مبارکی بوده است اما حالا مواجهه

ابتدایی شهروندان با شمایل سیاه‌شده و سرخپوش آنها تنها یک چیز است و آن هم

«تکدیگری» حاجی‌فیروز در خیابان است. به این معنا که اولین چیزی که ما حالا با

دیدن حاجی‌فیروز به یادمان می‌آید «گدایی» است. از حجم بالای تعداد این افراد در

خیابان‌های این روزها هم می‌توان متوجه شد که شهروندان هم با این قصه کنار

آمده‌اند اما چرا سمبل هنر آیینی و نمایشی ما کاسه‌گدایی به دست گرفته است؟ چرا

بابائونل در سراسر جهان ما را به یاد کریسمس می‌اندازد و همواره سوار بر سونتمه خود

هدیه و دشت به همراه دارد. اما حاجی‌فیروز برای ما نشانی از گدایی و بستانکاری

است؟ حاجی‌فیروز یک چهره افسانه‌ای در فولکلور ایرانیان است که از قرار در

نخستین روزهای هر سال، در کنار عمو نوروز به شهرهای آید تا زدن نوروز به مردم

آگاهی بدهد. او یک مرد لاغر اندام و سیاه‌رخ، با کلاه دوکی، گیوه‌های نوک‌تیز و جامه

سرخ است که با دایره‌زنگی و تنبک به خیابان‌ها می‌آید و به رقص، شیرین‌کاری و

خواندن آواز کوبه‌ای می‌پردازد. این تعریف خلاصه‌ای است که از شخصیت

حاجی‌فیروز ارائه می‌دهند. آن‌طور که پژوهشگران این عرصه گفته‌اند حاجی‌فیروز

نگاهی از ژرفا و عمق دارد و نماینده مردم ستمدیده و رنج‌کشیده است. حاجی‌فیروز یا

«خواجهمیروز» از این‌که در میان مردم صلح و شادی وجود دارد خوشحال می‌شود و

بارک‌گویی، آراذیخواهی، بذله‌گویی و صفات صمیمیتی که دارد در میان مردم محبوب

است. اما این تعریف با آنچه امروز شاهد آن هستیم چقدر تفاوت دارد؟ در گذشته

همواره عنوان شده که حاجی‌فیروز پیام‌آور شادی است اما حالا این پیام‌آور شادی

شده است نماد فقر و فلاکت! این فرایند چطور اتفاق افتاده است؟ مهدی صفاری‌نژاد،

پژوهشگر نمایش ایرانی است. او معتقد است: «شوربخانه آن قدر این نمایش‌ها



میثم اسماعیلی
روزنامه‌نگار

امروز در تاریخ

- آغاز هفته احسان و نیکوکاری
- تأسیس «کمیته امداد امام خمینی (ره)»/ ۱۳۵۷
- سالمرگ هوگو چاوز، رئیس‌جمهور ونزوئلا/ ۲۰۱۳

واحه

قماش عشق به مقیاس علم و عقل مسنج

که بازگاه دل از کارگاه مغز جداست

شهریار

اوقات شرعی

اذان ظهر: ۱۲:۱۶	غروب آفتاب: ۱۸:۰۳
اذان مغرب: ۱۸:۲۱	نیمه شب شرعی: ۲۳:۲۴
اذان صبح (فراد): ۵:۰۵	طلوع خورشید (فراد): ۶:۲۸

پیشخوان

پروژه پدری

همه پدرها در پیام‌های شاد مناسبتی، شجاع، فداکار، تکیه‌گاه، حتی بعضا کوه، دریا، آسمان و دشت هستند. آنها همچنین در آگهی‌های تسلیت، مهربان و دلسوز هستند. غیر از این مناسبت‌ها پدرهای زیادی دارای ویژگی‌ها و رفتارهای نه‌چندان دلپسندی هستند. آنها کم‌حوصله، بداخلاق، رئیس‌مآب و در بسیاری از امورات تنبل هستند. حتی این احتمال وجود دارد بی‌مسئولیت، معناد و دارای خصائل نامناسب اخلاقی دیگر هم باشند. بدتر از اینها، چندان به اعتقادات مذهبی پایبند نباشند. خوشبختانه هنوز پدرهای خوبی هم هستند که از چنین صفاتی کاملاً بری هستند. آنها بدون این‌که ایمان‌شان متزلزل شود، عاشق همسران‌شان هستند و در کنارش درس و شغل‌شان را به نحو احسن ادامه می‌دهند. خبر خوب این‌که فاطمه ستوده تجربه پدری پانزده نفر از بهترین این پدرها را در قالب مجموعه‌جستار «پروژه پدری» گردآوری کرده و به نشر اطراف سپرده است. غالب مرده‌های کتاب پروژه پدری، در ابتدا تجربه‌ی پدری را از طریق یادآوری شخصیت و منش پدران خود (پدر مسئولیت‌پذیر، پدر غیرتی، خشک و ...) برای خود معرفی کرده‌اند. بعضی اوقات از طریق مقایسه با تجربه‌ی زنان پیرامون‌شان. این واسطه‌ها که در واقع اصل‌تری روایت‌های «پروژه پدری» و تشکیل می‌دهند، در مواردی متفاوت و جالب هم به نظر می‌رسند. هر پانزده پدر کتاب پروژه پدری، در طیف خاص حرفه‌ای و اجتماعی می‌گنجد. بیشتر آنها فیلمساز، نویسنده، روزنامه‌نگار و فعال رسانه‌ای هستند. عمدتاً جزو اقشار مذهبی و از خانواده‌های سنتی جامعه هستند و این‌طور که از نوشته‌های‌شان برمی‌آید، مدعی پایبندی به اصول و مبادی آداب هستند.



خودکشی آمریکایی

«خودکشی» یکی از بحران‌هایی است که همواره ارتش آمریکا در

دهه‌های اخیر با آن دست و پنجه نرم می‌کند؛ بحرانی که به

موزارت مداخله‌جویی و نظامی‌گری‌های واشنگتن در نقاط

مختلف جهان تشدید شده است. در سال ۲۰۲۲ بیش از ۵۰۰

مورد خودکشی در بین نظامیان آمریکایی گزارش و ثبت

شده است. در بین اعضای خانواده نظامیان نیز خودکشی

تصادفی بود و در سال گذشته به ۲۰۰ مورد رسید. وزارت دفاع

آمریکابه دلیل آمارهای صعودی یک کمیته تحقیقاتی تشکیل

داد. بر اساس نتایج تحقیقات انجام‌شده، اکثر خودکشی‌ها

با استفاده از سلاح گرم رخ می‌دهد. نظامیان آمریکایی

می‌توانند به راحتی از فروشگاه‌های پایگاه نظامی، سلاح گرم

خریداری کنند. یکی از توصیه‌های کمیته تحقیقاتی، تشدید

قوانین حمل سلاح از سوی نظامیان آمریکایی است.



کیوارکد را اسکن کنید

زندگی ادامه دارد

هر چند مرگ تلخ پیروز در هفته گذشته برخی را از وضعیت حیات وحش ایران ناامید کرد اما حالا دو توله یوز دیگر یعنی آذر و توران در آستانه ۱۰۰ روزگی قرار دارند. منطقه حفاظت‌شده یا ذخیره‌گاه زیست‌کره توران در استان سمنان، در سال ۵۱ با عنوان «منطقه حفاظت‌شده» معرفی و در سال ۵۵ مرکز آن به پناهگاه حیات‌وحش ارتقا یافت. اکنون در این منطقه حفاظت‌شده، علاوه بر ۲۰ گونه جانوری مختلف، «یوزپلنگ آسیایی» به عنوان یکی از مهم‌ترین گونه‌های جانوری نگهداری می‌شود. فیروز، ایران و دلبر از گذشته در این

سایت نگهداری می‌شوند. از اواخر بهمن‌آور توران و دو توله یوزپلنگ جدید که آذر سال جاری توسط چوپانی در منطقه پیدا شده بودند نیز به این سایت منتقل شدند و امروز در آستانه ۱۰۰ روزگی قرار دارند.



کیوارکد را اسکن کنید



فراغت بهاری

بهار پیشبازیش کرده است. هوای این

روزهای شهر هوایی بهاری است.

هر چند هم تقویم‌ها گواهی دهند

که هنوز در زمستان قرار داریم اما

طبیعت آرام‌آرام رخ عوض کرده و

بوی بهار در شهر پیچیده، قاب

امروز مجید آزاد، عکاس روزنامه

جام‌چم نمادهای کیش بهاری

را ندارد، از قاب دوربین او نشانی

از سبزه و شکوفه و ماهی قرمز

نمی‌بینیم اما پشت این قاب آرام،

فصل نوزای بهاری نشست‌ه است.

هم ادامه پیدا می‌کند. رازها همیشه جذابند و اشتیاق دانستن‌شان می‌تواند انسان را به مسیرهای مخاطره‌انگیزی بکشاند. اگر این اسرار جذاب با فیلمنامه اثری خوش‌ساخت ترکیب شده باشند قابلیت این را دارند که مخاطبان‌شان را تا آخرین لحظه گشوده‌شدن گره با خود همراه کنند. امروز نگاهی داریم به چهار اثر که وقیفه داستانی‌گویی‌شان را استادانه انجام می‌دهند و مخاطب لحظه‌ای چشم از تماشای‌شان برنمی‌دارد. فیلم‌هایی که از طریق بازی با

ذهن بیننده، تغییر جهت‌های روایت، استفاده از لایه‌های متعدد داستانی یا ایجاد شک در واقعیت چیزی که می‌بینید، نهایت حس تعلیق و کنجکاوی را پدید می‌آورند. به زبان ساده، مانند بسیاری دیگر از فیلم‌ها فقط نظاره‌گر ماجرا نیستید بلکه با جهان داستانی فیلم همراه می‌شوید و سرانجام شخصیت‌ها برای تان مهم می‌شود: آن‌قدر که با کنار هم قراردادن کدهای فیلمنامه سعی دارید زودتر از پایان، سر کار ما چرا دریا بربورد.

ناپدیدشدن

«ناپدیدشدن» یا آن‌طور که با اسم اصلی‌اش «Spoonloos» به معنی «بدون رد» شناخته می‌شود، یک فیلم هلندی مهیج به کارگردانی جورج اسلوویز است که سال ۱۹۸۸ با اقتباس از رمان «تخم مرغ طلایی» نوشته تیم کراپه ساخته شد. البته نباید آن را با بازسازی آمریکایی به همین نام که سال ۱۹۹۳ منتشر شد، اشتباه گرفت. فیلم، داستان یک زوج هلندی، رکس و ساسکیا را روایت می‌کند که طی سفر تفریحی‌شان به فرانسه برای استراحت در استراحتگاهی متوقف می‌شوند. ساسکیا برای خرید وارد فروشگاه بیم‌بترین می‌شود، در حالی که نامزدش رکس (جین برووتر) بیرون منتظر است. ساسکیا اما هرگز برنمی‌گردد و رکس چندین سال آینده را با وسواس دیوانه‌کننده‌ای صرف جست‌وجو برای یافتن او می‌کند. دیدن تلاش‌های مرد برای یافتن نامزدش و کنار هم قراردادن سرخ‌هایی که او پیدا می‌کند مخاطب را تا آخرین لحظه حیرت‌زده خواهد کرد.



جزیره شاتر

فیلمی از مارتین اسکورسیزی بزرگ، «جزیره شاتر»، داستان دو مارشال آمریکایی به نام‌های تدی دنلیز و چاک ایول را دنبال می‌کند که برای تحقیق در مورد ناپدیدشدن یک بیمار روانی خطرناک از بیمارستانی روانی به جزیره شاتر سفر می‌کنند. با شروع بررسی هرچقدر تدی در تحقیقاتش عمیق‌تر می‌شود شروع به کشف رازهای عجیب و نگران‌کننده‌ای در مورد تیمارستان و بیمارانش می‌کند که باعث می‌شود به سلامت عقل خود شک کند و آن را زیر سوال ببرد. البته مخاطب نیز با دیدن این ماجراها و اتفاقات قطعا به سلامت عقلش شک خواهد کرد. داستان فیلم از روی رمان پررفوشی به همین نام نوشته دنیس لهان اقتباس شده است و ماجراهای فیلم در سال ۱۹۵۴ و مدتی پس از جنگ جهانی دوم اتفاق می‌افتد. جزیره شاتر چهارمین همکاری مارتین اسکورسیزی و لئوناردو دی‌کاپریو و احتمالا بهترین آنهاست.



دختر گمشده

«دختر گمشده» به کارگردانی دیوید فینچر و بر اساس رمان پر فروش گیلیان فلین، مطالعه‌ای در ارتباط با روابطی است که ناگهان چرخشی بسیار تاریک به‌خود می‌گیرند. فیلمنامه اثر نوشته خود گیلیان فلین است و وقایع فیلم روی شخصیت‌هایی با نام‌های نیک و ایمی دان متمرکز است. زوجی که در ابتدای فیلم به اندازه کافی خوشحال و راضی به نظر می‌رسند اما وقتی ایمی در صبح روز پنجمین سالگرد ازدواج‌شان ناپدید می‌شود داستان شکل دیگری به خود می‌گیرد. پس از این اتفاق نیک به عنوان مظنون اصلی ناپدیدشدن همسرش معرفی می‌شود و قیل و قال‌های رسانه‌ای در مورد‌گم‌شدن ایمی نیز شک و تردیدها را درباره به قتل‌رسیدنش توسط نیک افزایش می‌دهد. با جلوتر رفتن داستان و همان‌طور که تحقیقات پیرامون این معما شکل عمیق‌تری به خود می‌گیرد، مشخص می‌شود که هم نیک و هم ایمی رازهای بسیار بزرگی را پنهان می‌کنند.



یادگاری

«یادگاری» یک فیلم نتونوار و هیجان‌انگیز روان‌شناختی به کارگردانی یکی از استادان سبک تعلیق کریستوفر نولان است. این فیلم داستان مردی به نام لئونارد است که از فراموشی انتروگارد (از دست‌رفتن حافظه برای کوتاه‌مدت) رنج می‌برد. تنها چیزی که لئونارد به خاطر می‌آورد، انجام ماموریتی است که طی آن بتواند قاتل همسرش را پیدا کند اما تا وقتی چیزهایی را که به تازگی برایش اتفاق افتاده فراموش کند، دستیابی به این مهم کار آسانی نیست. «یادگاری» به دلیل ساختار روایی غیرخطی خود که داستان را در یک سری فلش‌بک و فلش‌فوروارد سیاه‌وسفید روایت می‌کند قابل توجه است. زمانی که در آخر فیلم ماجراهای این دو روایت به هم می‌رسند و ماجرا فاش می‌شود شما از دیدن حقیقت و تمام‌حس‌هایی که زده‌اید متحیر خواهید شد.

